

## آواشناسی فاصله آیات در سوره نبأ

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۱

دکتر محسن سیفی؛ استادیار دانشگاه کاشان  
منصوره طالبیان؛ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی  
مرضیه شاددل؛ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

### چکیده

قرآن، سبک و اسلوب بی‌همتایی از نظر نظم تعابیر و از لحاظ ترکیب الفاظ روش متمازی دارد. عربها پیش از نزول قرآن کریم با چنین سبک و نظم آشنایی نداشتند و با اینکه اهل فصاحت و بیان و سوارکاران عرصه بلاغت و گفتار بودند این سبک و اسلوب برای آنها نامأنوس تجلی یافت. معجزه بودن قرآن از جهات مختلف، قابل بررسی است یکی از آنها اعجاز ادبی و بیانی است که ابعاد گوناگون جنبه‌های ظاهری و ساختاری الفاظ قرآن را در بر می‌گیرد. بدون شک موسیقی و نظم آهنگ قرآن در پرتو برخی آرائه‌های زبانی از جمله رعایت فواصل است.

این پژوهش فاصله آیات سوره نبا را مورد تحلیل قرار داده و به واکاوی مقاطع صوتی آن به گونه آماری پرداخته و بدین دریافت رسیده است که با تغییر مضمون آیات، حروف روی فاصله دگرگون می‌شود و با تغییر سیر خطاب، مقطع صوتی، از مغلق به مفتوح گرایش می‌یابد.

کلید واژگان: قرآن، سوره نبأ، آواشناسی، فاصله، مقطع صوتی.

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که باعث شگفتی و اعجاب می‌گردد چگونگی چینش واژگان و به نظم کشیدن آنها در سلک آیات است؛ به گونه‌ای که اسرار و حکمت‌های فراوانی را در خود نهفته دارد و به عنوان منبعی سرشار در استخراج نکته‌ها و ظرافت‌های تفسیری به شمار می‌آید.

با دقت و موشکافی در نظم قرآن روشن می‌شود که چینش واژگان بسیار حکیمانه بوده و هیچ‌گاه الفاظ آن بدون حساب در پی هم قرار نگرفته‌اند، بلکه این کتاب مانند ناپذیر در عین به‌کارگیری قالب‌های زبان عربی، ساختاری را بر آن حاکم می‌سازد که جابه‌جایی اجزای آن به شکوه و فخامت لفظ صدمه زده و دقت معنی را کاسته و ناممکن می‌نماید.

برجسته‌ترین و بحث‌برانگیزترین بخش در هر آیه، پایان آن است که «فاصله» نام دارد و شبیه قافیه در شعر و سجع در نثر است. رُمّانی می‌گوید: «فواصل، حروف هم‌شکل در مقاطع کلام هستند که زمینه درک معانی را فراهم می‌آورند.»<sup>۱</sup>

در ادب عربی علاوه بر «سید خضر» در کتاب «فواصل القرآنیة» و «محمد یوسف هاشم السید» در کتاب «دراسة تطبیقیة لسورتي الاحزاب و سبأ» که فاصله قرآنی را به صورت مبسوط مورد بررسی قرار داده‌اند در زمینه آواشناسی قرآنی پژوهش‌هایی از جمله « نماذج من الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم» به قلم «دفة بلقاسم» و «جمالیات الموسیقی فی النص القرآنی» به قلم «کمال احمد غنیم» نگاشته شده است. این پژوهش راهی نو در پیش گرفته و آواشناسی فاصله را بررسی می‌کند. در این زمینه پژوهشی یافت نشده است.

اگر چه بین فاصله و سجع در ظاهر تفاوتی مشاهده نمی‌شود، لیکن پژوهشگران قرآن از استعمال واژه سجع اجتناب ورزیده‌اند؛ زیرا به باور آنان فاصله موجب بلاغت کلام و سجع سبب عیب آن می‌شود، از آن روی که فاصله تابع معنا است؛ ولی در سجع معنا تابع آن قرار می‌گیرد (همان). هدف از کلام آن است که الفاظ توانایی بیان معانی مورد نیاز را داشته باشند، بنابراین بلاغت زمانی رخ می‌نماید که همشکلی حروف در مقاطع کلام چنین هدفی را دنبال نماید.

همچنین از آنجا که سجع به معنای آواز کبوتر و فاخته است و کاهنان و غیب‌گویان در عصر جاهلی برای بیان مقاصد خود، گفتار خود را در قالب مسجع بیان می‌کردند، لذا پژوهشگران برای دوری جستن از تشبیه نادرست آن به قرآن، حروف سجع آفرین پایان آیات را فاصله نامیده‌اند.<sup>۲</sup> که علت این نامگذاری تکیه به آیه ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (فصلت: ۳) است.<sup>۳</sup>

تناسب فواصل بر پایه وقف، استوار است؛ یعنی همگونی حاصل از آنها زمانی پدید می‌آید که در پایان فقره‌ها وقف شود و حرکات آشکار نگردد. قابل ذکر است که فاصله از نظر نظام صوتی بر پنج نوع است:<sup>۴</sup>

۱. فاصله متوازی: دو فاصله در روی، ردف و مقطع صوتی هماهنگ باشند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا﴾ ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ دو فاصله در روی «ج»، ردف «الف» و مقاطع صوتی یکسان‌اند.

مقطع طویل مغلق / و - ه / + مقطع طویل مفتوح / ه - / + طویل مفتوح / ج - /  
مقطع طویل مغلق / ث - ج / + مقطع طویل مفتوح / ج - / + طویل مفتوح / ج - /

۲. فاصله متمائل: حروف روی فاصله یکسان است و تفاوتشان در مقطع صوتی است. این نوع فاصله را «مطرف» هم نام گذاری می‌کنند. ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا﴾

مقطع طویل مغلق / ا - ح / + مقطع طویل مفتوح / ق - / + طویل مفتوح / ب - /  
مقطع کوتاه / و - / + مقطع طویل مفتوح / ر - / + طویل مفتوح / ب - /

۳. فاصله متوازن: مقطع صوتی فاصله‌ها هماهنگ و تفاوت در حرف روی باشد که در این نوع یکسانی حرکات کلمه فاصله و ردف دیده می‌شود، اما وجود آن ضروری نیست. مانند: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَتَاتُونَ أَفْوَاجًا﴾ ﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾

مقطع طویل مغلق / ا - ب / + مقطع طویل مفتوح / و - / + طویل مفتوح / ج - /

مقطع طویل مغلق / ا - ب / + مقطع طویل مفتوح / و - / + طویل مفتوح / ب - /

۴. فاصله متقارب: حروف روی فاصله‌ها قریب المخرج باشند. مانند سخن خداوند متعال: ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ ﴿لِلطَّاغِينَ مآبًا﴾ حرف «دال» و «باء» قریب المخرج هستند.

۵. فاصله منفرد: فاصله یک آیه یا چند آیه در سوره با آیات دیگر در حرف روی تفاوت داشته باشد. به بیان روشن‌تر این فاصله یک بار در سوره تکرار شده باشد، در سوره نبأ فاصله منفرد در چند آیه آمده از جمله: ﴿عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ﴾ ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ ﴿وَجَنَاتٍ أَلْفَافًا﴾ ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾

### مقاطع صوتی:

یک مجموعه صوتی است که با صامت آغاز شده و به دنبال آن مصوت می‌آید و تا پایان کلمه ادامه می‌یابد که گاه به مصوت ختم می‌شود (کتب) و گاه به صامت (کتب). حروف در زبان عربی به دو نوع تقسیم می‌شود. حروف صامت مانند: باء، تاء، ثاء و ... که با حرف (ص) رمز گذاری و حروف مصوت که با حرف (ح) یعنی حرکت رمز گذاری می‌شوند.

مقطع‌های صوتی زمینه وقف و از سرگیری کلام را بدون ایجاد خلل در صداهایی که بعد از آنها می‌آید فراهم می‌آورند. برای نمونه واژه «قال» دارای دو مقطع صوتی است که مقطع اول از صامت «ق» و مصوت بلند «الف» تشکیل شده و بدین صورت رمز گذاری شده (ص ح ح) که بعد از توقف کوتاهی مقطع دوم تلفظ می‌شود و دارای صامت «ل» و مصوت کوتاه فتحه است که به صورت (ص ح) رمز گذاری می‌شود. قابل ذکر است که مقاطع صوتی از نظر ساختار بر دو

نوع‌اند؛ یکی «مقطع مفتوح» که به صدای کوتاه یا بلند ختم شده و دیگری «مقطع مغلق» که به صامت ختم می‌شود.<sup>۵</sup>

برخی از پژوهشگران مقاطع صوتی را بر شش نوع تقسیم کرده‌اند:<sup>۶</sup>

۱. مقطع کوتاه: صامت + مصوت: کُتِبَ - /ک - /ت - /ب - / (ص ح)

۲. مقطع بلند مفتوح: صامت + مصوت بلند: نودینا - /ن - /د - / (ص ح ح)

۳. مقطع بلند مغلق: صامت + مصوت کوتاه + صامت: عَلَّمَهُمْ - /ع - /ل - /ل - /م - /ه - /م / (ص ح ص)

۴. مقطع کشیده: صامت + مصوت بلند + صامت: ضَّالِّينَ - /ض - /ل - /ل - /ن / (ص ح ح ص)

۵. مقطع مزید: صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت: نَهْرٌ - /ن - /ه - /ر / (ص ح ص ص)

۶. مقطع متمادی: صامت + مصوت کشیده + صامت + صامت: شَابٌ - /ش - /ب - /ب / (ص ح ح ص ص)

«ابراهیم انیس» بر این باور است که در زبان عربی سه مقطع صوتی اول نسبت به دیگر مقاطع کاربرد بیشتری دارند.<sup>۷</sup>

یکی از عناصر آهنگین شدن آیات قرآن، مقطع‌های صوتی یکسان در فاصله‌ها است که با توجه به مفهوم در انواع مختلف به کار رفته‌اند، برای نمونه وقتی سیاق آیه بر عذاب کافران دلالت دارد فاصله به مقطع صوتی طویل ختم می‌شود تا با طولانی بودن عذاب مناسبت و هماهنگی داشته باشد.

شایان ذکر است که موسیقی حرکات کوتاه و بلند، به مانند تصویر زیبایی است که معنا را به ذهن نزدیک می‌نماید و در روح و جان مخاطب تأثیر می‌گذارد. «حرکات که در صیغه و مبانی کلام وارد می‌شود زمینه هماهنگی واژه‌ها و انسجام آنها را در سیاق کلام فراهم آورده و این هدف در

دلالت‌های معنایی نمود می‌یابد از آن روی که کلام و ترکیبات الفاظ در یک موسیقی هماهنگ و متناسب به نمایش گذاشته می‌شود.<sup>۸</sup> که متناسب با مقصود خطاب و حالت‌های روحی مخاطبان است. با تدبر در نظم الفاظ قرآن مشاهده می‌کنیم که حرکات صرفی و لغوی واژه‌ها در وضع و ترکیب، جانشین حروف می‌شوند که با نظم موسیقایی کلام هماهنگ‌اند و این امر بیانگر فصاحت است تا بدان جا که ممکن است حرکتی به خاطر سنگینی در کلام ارزشی نداشته باشد؛ ولی در قرآن به گونه‌ای استعمال می‌شود که حروف و حرکات قبلی نطق و تلفظش را آسان می‌سازد.<sup>۹</sup>

روشن و واضح است که اصوات فاصله‌ها، نقش بسیار مهمی در زیباسازی موسیقی آیات بر دوش دارند «زرکشی» بر این باور است که «در قرآن بسیاری از مقاطع صوتی فاصله‌ها به مد، لین و نون ختم شده که حکمت آن استواری موسیقی قرآن است.»<sup>۱۰</sup>

حرکات کوتاه (ضمه، فتحه، کسره) اصواتی‌اند که با حروف تلفظ می‌شوند و «با وجود کوچکی شکلشان معانی را افاده می‌کنند و در ذهن اصوات مشخصی را به جای می‌گذارند»<sup>۱۱</sup> صدای فتحه در قرآن استعمال زیادی دارد و این امر از آن روی است که تلفظ آن نسبت به کسره و ضمه آسان‌تر است و توالی آن در یک کلمه زیبایی و آهنگ خاصی را به الفاظ می‌بخشد. با بررسی صداهای کوتاه در سوره نبأ، این مطلب برای ما آشکار شد که ۳۱۰ مرتبه صدای فتحه، ۷۵ مرتبه صدای کسره و ۵۹ مرتبه صدای ضمه تکرار شده است، بسامد زیاد صدای فتحه زمینه سهولت قرائت این سوره را فراهم آورده و بر زیبایی موسیقایی آن افزوده است.

اصوات بلند (الف، واو، یاء) که حروف مد نامیده می‌شوند با اصوات کوتاه در جنبه کمی - مدت زمان تلفظ - اختلاف دارند بدین معنا که «الف» فتحه بلند، «یاء» کسره بلند و «واو» ضمه بلند خوانده می‌شود. آنگاه که، مد بین دو حرف قریب المخرج قرار گیرد - ابواب - آهنگ لفظ را نیکو می‌سازد و همان‌گونه که کاربرد زیاد آن در مقاطع صوتی جمله، موسیقی لطیف و آرامی را به کلام می‌بخشد استعمال کم آن موسیقی کلام را به سرعت و شدت نزدیک می‌کند.<sup>۱۲</sup> «الف» به

دلیل لطافت و نرمی در هنگام تلفظ از کاربرد بسیاری برخوردار است. «فتحه» هم صفات و ویژگی‌های آن را به خود اختصاص داده است. هوا در هنگام تلفظ صداهای کشیده در مجرای صوتی ادامه می‌یابد به گونه‌ای که چیزی مانع امتداد و استمرار آن نمی‌شود.<sup>۱۳</sup> بدون شک این ویژگی صدای کشیده با دلالت‌های خطابی قرآن هماهنگ است. برای نمونه در عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»، «الف» مدی در کلمه «لا» در هنگام تلفظ کشیده می‌شود که آن را مد تعظیم می‌نامند این کشیدگی صدای «الف» با نفی الوهیت از غیر خداوند مناسبت دارد.

در یک بررسی آماری در صداهای بلند سوره نبأ به این دریافت رسیدیم که صوت «الف» ۱۲۲ مرتبه در این سوره تکرار شده است. این صوت در هنگام تلفظ نسبت به دیگر حروف مدی، با کشیدگی همراه است. این ویژگی بر استمرار و گستردگی و ثبات مفهوم در واژه کمک می‌نماید. و از آنجا که این سوره در پی اثبات استمرار و ثبات روز قیامت و گستردگی عذاب کافران و پاداش نیکوکاران نازل شده؛ صوت «الف» بسامد گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. صدای «واو» ۱۴ مرتبه و «یاء» ۱۲ مرتبه در خلال این سوره تکرار شده است.

ایجاد مناسبت میان مقاطع فواصل، گاهی مستلزم خروج از نظم متعارف و قواعد اولیه زبانی است. از جمله:

۱. حذف همزه یا یک حرف از انتهای کلمه، ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ﴾ (فجر: ۴) «یسری» فعل مضارع مرفوع است که «یاء» آن برای تخفیف و هماهنگی فاصله‌های آیات قبل و بعد (فجر، عشر، وتر، حجر) حذف شده است.

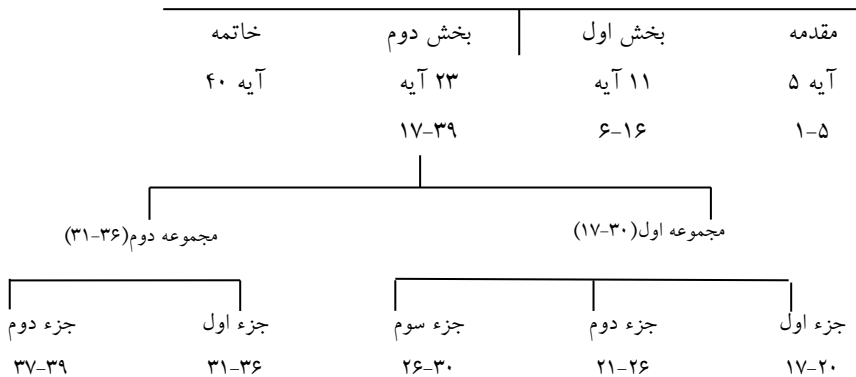
۲. تأخیر چیزی که جایگاه طبیعی آن، تقدیم است، مانند: الف) تقدیم مفعول بر فاعل: ﴿وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ﴾ (قمر: ۴۱) از آنجایی که فاصله‌های آیات سوره قمر به حروف روی «راء» ختم شده در این آیه برای رعایت فاصله «آل فرعون» بر «نذر» تقدم یافته است. علت این تقدیم، تقدم زمانی است بدین معنا که نخست فرعونیان پا بر عرصه هستی گذاشتند و سپس نصیحت‌های حضرت موسی هشدار برای ارشاد آنان بود.

## سوره نباء:

اولین نکته قابل بررسی در سوره نباء، مضمون و محتوای این سوره است. یکی از محورهای اصلی آن در وصف بهشت و نعمتهایش، تداعی گر سوره «دهر» و در وصف رنج و عذاب کافران بیانگر محتوای سوره «مرسلات» است.<sup>۱۴</sup>

محتوای این سوره را می‌توان در یک مقدمه، دو بخش و یک خاتمه بیان نمود. آیات مقدمه اختلاف نظر مشرکان را در مورد روز قیامت بیان می‌کند. سپس در بخش اول با بیان نمونه‌هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین و زندگی انسانها دلیلی بر امکان معاد و رستاخیز ذکر می‌نماید. بخش دوم این سوره در دو زیر مجموعه قرار می‌گیرد که در مجموعه اول از قیامت و حوادث رستاخیز (آیات ۱۷-۲۰)، سرنوشت دوزخیان و قسمتی از کیفرهای دردناکشان (آیات ۲۱-۲۶) و علت بدبختی و گرفتاری آنها (آیات ۲۶-۳۰) سخن به میان می‌آورد. در مجموعه دوم از این بخش به شرح نقطه مقابل آنان پرداخته از مومنان راستین و پرهیزکاران و قسمتی از مواهبشان (آیات ۳۱-۳۹) و در پایان سخنی روز قیامت و آرزوی محال کافران (آیه ۴۰) را بیان می‌کند.<sup>۱۵</sup>

### سوره نباء





## مقدمه سوره:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)﴾

## تفسیر اجمالی

مقدمه سوره با آغازی ابهام گونه توجه مخاطب را برمی‌انگیزد. خداوند متعال در نخستین آیه سوره در یک استفهام آمیخته با تعجب می‌فرماید: آنها از چه چیزی از یکدیگر می‌پرسند، سپس بی آنکه در انتظار پاسخشان باشد می‌فرماید آنان از خبر بزرگ و پر اهمیت سؤال می‌کنند همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند. «لفظ «عم» که اصل آن (عن+ما) است، حرف جر داخل بر «ما» استفهامیه شده و «نون» ساکن در «میم» متحرک ادغام و «الف» حذف شده است.<sup>۱۶</sup> استفهام در این آیه دلالت بر تفخیم و تعظیم دارد.

دروازه «سيعلمون» سین حرف استقبال است که برآینده نزدیک اشاره می‌کند. بدین معنا که قیامت امری است نزدیک که تمام عمر دنیا در برابر آن ساعتی بیش نیست.<sup>۱۷</sup> آیه ﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ تأکید ردع و تهدید است و لحن تهدید، قرینه‌ای است که پرسشگران مشرکان‌اند که منکر معاد و جزاء بوده‌اند.<sup>۱۸</sup> و لفظ «ثم» بر این امر دلالت دارد که وعید در این آیه شدیدتر و بیشتر از آیه قبل است.<sup>۱۹</sup>

## تحلیل فاصله:

این آیات به انکار معاد توسط مشرکان اشاره دارد که برخی آن را محال دانستند و بدین خاطر آن را انکار نمودند و عده‌ای آن را بعید شمرده و بدان شک کردند؛ چرا که برانگیخته شدن در قیامت را امری بزرگ می‌پنداشتند. وجود فاصله در این آیات برای اثبات وقوع روز قیامت است و فاصله آیات به «نون» بر دوراندیشی و قطعیت و ایمان یقینی بر حقانیت روز رستاخیز دلالت دارد.<sup>۲۰</sup>

حرف روی فاصله در این آیات «میم، نون» است که از حروف امتداد است؛ بدین معنا که در

هنگام تلفظ، صدا استمرار دارد. نکته جالب این است که انتخاب روی فاصله با مضمون آیه که نشانگر اختلاف نظر مشرکان و پرسشگری متعدد و مستمر آنان است، هماهنگی دارد. در آیه دوم مشرکان از خبر بزرگی و حتمی می‌پرسند که این حتمیت و قطعیت را می‌توان از صدای «میم» فهمید؛ زیرا «در هنگام تلفظ دولب بر روی هم بسته می‌شود و دلالت بر حتمیت دارد.»<sup>۲۱</sup>

«نون» از صداهایی است که در هنگام تلفظ با غنه همراه است و از این رو سکوت و وقف بر آن نیکو است.<sup>۲۲</sup> سیوطی بر این باور است که اکثر فواصل قرآنی به نون مسبوق به مد ختم شده که حکمت وجود آن آهنگین شدن آیات است.<sup>۲۳</sup> این نکته در اینجا قابل تطبیق است.

اگر از منظر بلاغی به آیه ﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ بنگریم، بدین دریافت می‌رسیم که یکی از دلایل حذف دو مفعول «سيعلمون» افاده عمومیت است.<sup>۲۴</sup> بدین منظور که انسان می‌تواند در طول زمان امور مختلفی را بیاموزد؛ اما دلیل اصلی این حذف رعایت موسیقی کلام و تناسب با فاصله آیات قبل است. چرا که پژوهشگران قرآنی بر این باوراند که بیشترین موارد حذف مفعول در مواقعی است که کلمه فاصله فعل مضارع مرفوع با «واو» جماعت باشد که حذف بدلیل سیاق کلام یا نکته بلاغی صورت می‌گیرد؛ ولی اگر فعل مضارع در جایگاه فاصله نباشد حذف به ندرت دیده می‌شود. در بررسی آماری بدین نتیجه دست یافته‌اند که دو فعل «يعلمون-تعلمون» ۱۲۰ مرتبه به عنوان کلمه فاصله در قرآن ذکر شده که در همه موارد مفعول حذف شده است که این امر به دلیل «مد» قبل از حرف فاصله و آهنگ و نغمه «نون» است.<sup>۲۵</sup>

موسیقی حروف که امروزه در ادبیات آن را «واج آرابی» می‌نامند بخش عظیمی از بار موسیقی آیات را به دوش می‌کشد و خداوند در نهایت هنرمندی تناسب و هم‌نوایی موسیقی و موضوع را برقرار نموده است. در اینجا زمینه معنایی، انذار، هشدار و ایجاد بیم و هراس است که موسیقی‌ای کوبنده و تهاجمی آفریده. صوت میم (۱بار)، عین (۲بار) و نون (۴بار) ذکر شده است و همه این حروف مجهوره‌اند<sup>۲۶</sup> که بیانگر تناسب آوایی با شدت صدای انکار کنندگان است. از هشت مقطع صوتی مغلق هفت مورد آن به این حروف ختم می‌شود. جدول زیر به این نکته اشاره دارد.

آیات	ص ح ح			ص ح ص		ص ح ح		جمع
	تعداد	صوت	تعداد	صوت	تعداد	صوت		
۱	۳	۱	۰	۰	آ	۱	۵	
۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۲	
۳	۲	۰	۱	۱	خ	۱	۴	
۴	۲	۰	۱	۱	ع	۱	۴	
۵	۲	۰	۱	۱	ع	۱	۴	
جمع	۱۰	۱	۳	۳			۱۹	
درصد	۵۲.۶%	۵.۲%	۱۵.۷%	۲۶.۳%				

جدول شماره (۱)

مقاطع مفتوح: (ص ح + ص ح ح) - ۱۱ - ۵۷.۸٪ یعنی مقطع‌هایی که به مصوت ختم می‌شود.  
 مقاطع طویل: (ص ح ح + ص ح ح ص) - ۶ - ۳۱.۵٪ یعنی مقطع‌هایی که به مد ختم می‌شود.  
 مقاطع مغلق: (ص ح ص + ص ح ح ص) - ۸ - ۴۲٪ یعنی مقطع‌هایی که به صامت ختم می‌شود.  
 فاصله در آیه اول به فعل «یتساءلون» از صیغه باب تفاعل که تکرار وقوع فعل را افاده می‌کند ختم شده و اگر فعل «یسألون» به جای آن قرار می‌گرفت از سه مقطع صوتی (دو مقطع مغلق و یک مقطع مفتوح) تشکیل شده بود در حالی که مقاطع صوتی «یتسالون» پنج تا است (چهار مفتوح، یک مغلق) که این امر بر حرکت و تجدد دلالت می‌کند. علاوه بر این، مد الف که متصل و واجب و مقدار آن ۴ تا ۵ حرکت و صدای «الف» که مفید اطلاق است، کثرت پرسش سوال کنندگان را بیان می‌کند.<sup>۲۷</sup>

﴿الْمَ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ (۶) وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿۷﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿۱۰﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۲﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿۱۳﴾ وَ أَنْزَلْنَا مِنْ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿۱۴﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿۱۵﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿۱۶﴾ ﴿

### تفسیر اجمالی:

این آیات در مقام احتجاج و استدلال بر ثبوت رستاخیز و جزاء و تحقق این خبر عظیم است و لازمه ثبوت آن صحت آیه قبلی است، که می‌فرماید: ﴿ثُمَّ كَلَّاسِيَعْلَمُونَ﴾ که در حقیقت پاسخی است به سؤالاتی که منکران معاد و اختلاف کنندگان در این بنا عظیم داشته‌اند؛ زیرا در این آیات گوشه‌ای از نظام حکیمانه این عالم هستی و مواهب حساب شده‌ای که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسانها دارد بیان شده است که از یک سو دلیل روشنی بر قدرت خدا بر همه چیز و از جمله تجدید حیات مردگان است و از سوی دیگر بر این امر دلالت دارد که نظام حکیمانه نمی‌تواند بیهوده و عبث باشد، درحالی که اگر با پایان زندگی مادی این دنیا همه چیز پایان یابد، مسلماً طرحی عبث و بیهوده خواهد بود.<sup>۲۸</sup>

«در این آیات یازده گانه به دوازده نعمت مهم، با تعبیراتی آمیخته با لطف و محبت و توام با استدلال و تحریک عواطف، اشاره شده است، چرا که اگر در کنار استدلالهای عقلی، احساس و نشاط روحی نباشد کارایی آن کم است.»<sup>۲۹</sup>

قابل ذکر است، التفاتی که در آیه ﴿ثُمَّ كَلَّاسِيَعْلَمُونَ﴾ از غیبت به خطاب در آیه ﴿وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾ به کار رفته به منظور مبالغه در الزام و ساکت نمودن دشمنان است.

### تحلیل فاصله

آیات این بخش مانند مقدمه با استفهام آغاز شده با این تفاوت که آهنگ استفهام در این آیات به گونه‌ای است که خواب غفلت را از چشمان منکران ربوده و آنان را متوجه نعمت‌ها و الطاف الهی می‌سازد.<sup>۳۰</sup>

مجموعه آیاتی که در بیان یک موضوع به دنبال یکدیگر می‌آیند تصاویر زیبایی را ارائه می‌دهند که الفاظ تشکیل دهنده آن از انسجام و هماهنگی برخوردارند، با تدبر و دقت نظر در تصاویر درمی‌یابیم که فواصل آیات عنصر اساسی این تصویرها هستند. بدین منظور که در هر تصویر حروف فاصله یکی است یا از موسیقی یکسانی برخوردارند و با تغییر موضوع و تصویر، حرف فاصله نیز دگرگون می‌شود. سیاق آیات مقدمه در بردارنده اختلاف نظر مشرکان است، اما در ادامه سیاق آیات دلالت بر جدل دارد که این تحول سیر خطاب، زمینه ساز تغییر نظام فاصله شده است<sup>۳۱</sup> و روی فاصله از صدای «نون» به صدای «دال» که در تلفظ آن سختی و شدت است و متناسب با فضای آیه که به اثبات نعم الهی می‌پردازد، تغییر کرده، همچنین بقیه آیات به صداهای (باء، قاف، جیم، دال) که از حروف مجهوره‌اند ختم می‌شود که اثبات نعمت‌ها و عقاب کافران و پاداش نیکوکاران اقتضای این حروف را دارد. به دیگر بیان، روی کلمات فاصله منسجم نیستند، لیکن برای هماهنگی صدا با معنا به حروف مجهوره ختم شده‌اند: نظیر «دال» در الفاظ (مهاده، اوتاد، شداد) و «جیم» در (وهاج، ثجاج).

موسیقی و آهنگ، جلوه و پدیده حسی است که وجود آن را از طریق حس شنوایی درک می‌کنیم که به صورت منظم تکرار شده و به منظور زیبایی‌شناسی، در نظم آن دگرگونی ایجاد می‌شود.<sup>۳۲</sup> بنابراین دو عنصر اصلی که بار موسیقی کلام را به دوش می‌کشند نظم و تکراراند، لازم است در نظم بین عناصر کلام تساوی و توازن وجود داشته باشد؛ تساوی بدین معنا است که حرف و کلمات تشکیل دهنده دو آیه یکسان باشد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ آنگاه که اجزاء تشکیل دهنده کلام (فعل، اسم، حرف) در مقابل یکدیگر قرار گیرند توازن زمینه آهنگین شدن کلام را فراهم می‌آورد که این عنصر را می‌توانیم در آیات ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾ ﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾ ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ مشاهده کنیم. تکرار که عنصر مهم موسیقایی کلام بر دو رکن استوار است؛ یکی تکرار صدای روی و دیگری تکرار وصل (صدایی که بعد از روی می‌آید). تکرار «الف» در پایان فاصله‌های

این سوره.

تصویر مقابله‌ای که در دو آیه ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ و ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ وجود دارد در سطح موسیقایی فاصله، تأثیر بسزایی گذاشته چرا که حقیقت شب و چگونگی چیرگی که سکون و آرامش آن را بازگو می‌کند در مقابل حقیقت روشنایی روز که نماینده حرکت و پویایی است قرار گرفته است این تأثیر را می‌توان در ویژگی صدای «سین» که از حروف لثوی و مهموس است و «شین» که در هنگام تلفظ سر زبان در پشت لثه و فک به سمت بالا متمایل می‌شود و در فضای دهان اضطراب و تکاپو ایجاد می‌کند، مشاهده نمود.<sup>۳۳</sup>

با امعان نظر در آیات مقدمه و دیگر آیات، بدین دستاورد می‌رسیم که مقاطع صوتی در پنج آیه اول مغلق؛ به صامت ختم شده در حالی که آیات بعدی مفتوح و به مصوت ختم شده است. در این بخش حروف مجهوره نسبت به مهموسه کاربرد بیشتری داشته‌اند.

جمع	ص ح ص		ص ح ح		ص ح	آیات
	تعداد	صوت	تعداد	صوت	تعداد	
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۶
۳	و	۱	آآ	۲	۰	۷
۳	ز	۱	آآ	۲	۰	۸
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۹
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۱۰
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۱۱
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۱۲
۳	ه	۱	آآ	۲	۰	۱۳
۳	ج	۱	آآ	۲	۰	۱۴
۳	۰	۰	آآ	۲	۱	۱۵

۱۶	۰	۲	آآ	۱	ل	۳
جمع	۶	۲۲		۵		۳۳
درصد	%۱۸.۱۸	%۶۶.۶۶		%۱۵.۱۵		

جدول شماره (۲)

مقاطع مفتوح: (صح + صح) - ۲۸-۸۴.۸٪ یعنی مقطع‌هایی که به مصوت ختم می‌شود.

مقاطع طویل: (صحح) - ۲۲-۶۶.۶۶٪ یعنی مقطع‌هایی که به مد ختم می‌شود.

مقاطع مغلق: (صحص) - ۵-۱۵.۱۵٪ یعنی مقطع‌هایی که به صامت ختم می‌شود.

روشن است که کلمه «مهادا» با یک مقطع صوتی کوتاه مفتوح، آغاز و به دو مقطع بلند مفتوح، ختم شده است و از آن جایی که «الف» از حروف مد است و بر امتداد و گسترده‌گی دلالت دارد بین مفهوم آیه با مقاطع صوتی هماهنگی دیده می‌شود به گونه‌ای که واژه «مهادا» به خاطر مقطع صوتی مغلق نمی‌توانست این مفهوم را القا کند. خداوند می‌فرماید: آیا زمین را برای شما نگسترانیدیم تا مایه آرامش شما باشد. که با بیان آیه ﴿وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا﴾ هر گونه اضطراب و نگرانی را می‌زداید؛ زیرا کوه‌ها علاوه بر اینکه ریشه‌های عظیمی در اعماق زمین دارند، همچون زرهی پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی حفظ می‌کنند، دیوارهای بلندی در برابر طوفانهای سخت و سنگین محسوب می‌شوند و پناهگاه مطمئنی برای آسایش انسان می‌سازند که اگر نبودند دائماً زندگی انسان زیر ضربات کوبنده طوفان‌ها دستخوش ناآرامی می‌شد.<sup>۳۴</sup> شایان ذکر است که واژه «اوتادا» دو صدای شدید با خود دارد (تاء، دال) و از مقطع صوتی مغلق که به صدای لین (واو) ختم شده و دو مقطع صوتی مفتوح تشکیل شده تا این امتداد صوتی با شدت تصویر کوه‌ها که استواری آنها قصد شده هماهنگ باشد.

بخش دوم (مجموعه اول)

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (۱۷) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱) لِلطَّاغِيْنَ مَأْبًا (۲۲) لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا (۲۴) إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵) جَزَاءً وَفَاقًا (۲۶) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸) وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹) فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰) ﴿﴾

## تفسیر اجمالی

در آیات قبل اشاراتی به دلایل مختلف معاد آمده بود، در نخستین آیه مورد بحث به عنوان نتیجه گیری، خداوند متعال می‌فرماید: روز رستاخیز، وعده همگان است ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ تعبیر به «يَوْمَ الْفُضْلِ» تعبیر بسیار پرمعنایی است که بیانگر جدایی‌های آن روز عظیم است، جدایی حق از باطل، جدایی مظلومان از ظالمان، جدایی پدر و مادر از فرزند و... .

در آیات گذشته، کوه‌ها به عنوان میخ‌ها و زمین به عنوان گهواره معرفی شده، لیکن در آیات مورد بحث می‌گوید آن روز که فرمان فنای جهان صادر می‌شود آن گهواره به هم خورده و این میخ‌های عظیم از جاکنده خواهد شد.<sup>۳۵</sup>

تعبیر به «إِنَّ» که برای تاکید است و «كانوا» که استمرار در ماضی را بیان می‌کند و «حساباً» که به صورت نکره بعد از نفی ذکر شده و معنی عمومیت را می‌رساند، بیانگر این واقعیت‌اند که آنان مطلقاً و هرگز هیچ گونه انتظار و ترسی از حساب و کتاب ندارند، یا به تعبیر دیگر حساب روز قیامت را به دست فراموشی سپرده‌اند.<sup>۳۶</sup>



با نگاه در فاصله آیه ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ به این دستاورد می‌رسیم که وجود دو لفظ «إِنَّ-کان» تنها برای رعایت فاصله ذکر نشده، بلکه خداوند برای زدودن شک و تردید کافران، از اسلوب تأکید استفاده کرده و «کان» را که فعل ماضی است انتخاب نموده تا بیانگر قطعیت و حتمیت روز قیامت باشد. شایان ذکر است که در آیه ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ تنها سه حرف مهموسه نظیر (ک،ه،ص) دیده می‌شود و بقیه حروف جزء حروف مجهوره‌اند که به عذاب شدید و آشکاری که در کمین کافران است اشاره دارد. و در ادامه آیه ﴿لِلطَّاغِينِ مَأْبَأٌ﴾ ذکر شده که هیچ حرف مهموسی در آن نیست. واژه «طاغین» جمع مذکر سالم و برای عاقل به کار می‌رود، یعنی آنها اعمال خود را عاقلانه انجام داده‌اند و بار اعمالشان را به دوش می‌کشند که وجود دو مقطع صوتی بلند مفتوح در این لفظ امتداد و استمرار سرکشی آنان را می‌رساند، لیکن اگر به صورت جمع مکسر می‌آمد «طغاة» این معنا القا نمی‌شد.

نَ	غِب	طَا		ةِ	غَا	طُ
(ص ح)	(ص ح ح)	(ص ح ح)		(ص ح)	(ص ح ح)	(ص ح)

جدول شماره (۳)

در آیات (۲۶-۲۱) ادغام نون در مطلع آیات، کثرت کاربرد تنوین در الفاظ، وجود مد در هر مقطع و وفور حرکات فتحه بر روی حروف، دلالت بر نامتناهی بودن زمان، عذاب همیشگی کافران و ناله‌های پی در پی آنان دارد.<sup>۳۷</sup>

روی فاصله در آیه ﴿وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾ «باء» است که این صدا از حروف مجهوره، بر صلابت و درشتی دلالت دارد. «ابن جنی» در این باره می‌گوید: «صدای «باء» به خاطر شدت و صلابت شبیه زدن دست بر روی زمین است».<sup>۳۸</sup> که وجود آن در این آیه شدت تکذیب مشرکان را می‌رساند و استعمال واژه «کذّابا» به جای «تکذیبیا» زمینه رعایت نظام مقطع صوتی فاصله با

صدای «الف» را فراهم آورده است.

نکته جالب در فواصل (مرصاداً- أحقاباً- شراباً- غساقاً- وفاقاً) این است که در هنگام وقف، «الف» جایگزین تنوین نصب می‌شود که در این صورت دو الف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که حکم یکی از آنان تفخیم و دیگری ترفیق است، در سه کلمه نخست، الف اول، بعد از صدای مفخم و الف دوم بعد از صدای مرقق قرا گرفته و در دو کلمه دیگر برعکس این امر دیده می‌شود که زمینه تغییر روی فاصله‌ها را به وجود آورده و با تنوع موسیقایی آهنگ زیبا و دلنشینی را به آیات بخشیده، و در مخاطب تأثیر به‌سزایی داشته، چرا که «کلام آنگاه که بر یک آهنگ و ایقاع باشد زمینه تکلف و خستگی مخاطب را فراهم می‌آورد».<sup>۳۹</sup>

فواصل آیات نقش تعیین‌کننده‌ای در بلاغت قرآن دارد و نشانگر توانایی و عظمت خداوند است؛ همانگونه که قافیه در شعر توانایی شاعر را نشان می‌دهد. با این تفاوت که بعضی از شعرا برای اتمام ابیات خود قافیه‌هایی به کار می‌برند که با مضمون و محتوای بیت همخوانی ندارد. در حالی که «انتخاب فواصل قرآنی به گونه‌ای است که برای اكمال آیات قرآن نیست، بلکه در آن رازی نهفته است که امکان جایگزینی آن با کلمه دیگر وجود ندارد؛ زیرا در غیر این صورت معنای مورد نظر افاده نمی‌شود و نظام صوتی و زیبایی لغوی آن به هم می‌خورد».<sup>۴۰</sup>

انتخاب کلمات فاصله در این آیات با ظرافت خاصی به کار رفته؛ بدین معنا که بین لفظ و مفهوم القایی تناسب و هماهنگی دیده می‌شود. برای نمونه فاصله‌های (مرصادا، أحقابا، غساقا) که القاء‌کننده معنای ترس و وحشت هستند، هیچ واژه‌ایی نمی‌تواند به جای این الفاظ بنشیند و مضمون آنها را بیان نماید. به تعبیر دیگر اگر ما به جای واژه أحقابا الفاظ (أزمنه، سنین و دهور) قرار دهیم تأثیر مطلوب را نخواهد داشت.

آیات	ص ح	ص ح ح	ص ح ص	جمع
------	-----	-------	-------	-----

	تعداد	صوت	تعداد	صوت	تعداد	
۱۷	۰	۳	آآآ	۰	۲	
۱۸	۰	۲	آآ	۱	۲	ف
۱۹	۰	۲	آآ	۱	۲	ب
۲۰	۱	۲	آآ	۰	۲	
۲۱	۰	۲	آآ	۱	۲	ر
۲۲	۲	۱	آ	۰	۲	
۲۳	۰	۲	آآ	۱	۲	ح
۲۴	۱	۲	آآ	۰	۲	
۲۵	۱	۲	آآ	۰	۲	
۲۶	۱	۲	آآ	۰	۲	
۲۷	۱	۲	آآ	۰	۲	
۲۸	۰	۲	آآ	۱	۲	ذ
۲۹	۱	۲	آآ	۰	۲	
۳۰	۱	۲	آآ	۰	۲	
جمع	۹	۲۸		۵	۴۲	
درصد	%۲۱.۴۲	%۶۶.۶۶		%۱۱.۹۰		

جدول شماره (۴)

مقاطع مفتوح: (صح + صح) - ۳۷-۸۸.۰۸٪ یعنی مقطع‌هایی که به مصوت ختم می‌شود.

مقاطع طویل: (صح) - ۲۸-۶۶.۶۶٪ یعنی مقطع‌هایی که به مد ختم می‌شود. مقاطع مغلق:

(صحص) - ۵-۱۱.۹۰٪ یعنی مقطع‌هایی که به صامت ختم می‌شود.

بخش دوم - مجموعه دوم

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبًا أَتْرَابًا (۳۳) وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا (۳۵) جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمُ الرَّحْمَنُ لَا يُمَلِّكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹)﴾

### تفسیر اجمالی

در آیات پیشین سخن از سرنوشت طغیانگران و قسمتی از کیف‌های دردناک آنها و علت بدبختی‌شان بود، در آیات مورد بحث به شرح نقطه مقابل آنها پرداخته، از مؤمنان راستین، پرهیزگاران و قسمتی از مواهب‌شان در قیامت سخن می‌گوید. در اینجا سخن از «مفاز» (محل نجات)، باغ‌های پر میوه، جام‌های لبریز از شراب طهور و عطایای گسترده خدای رحمان است. در حالی که در آیات قبلی از «مرصاد» (کمینگاه)، غوطه ور بودن در آتش، آب سوزان و افزایش عذاب کافران گفته شده است. در آیه ﴿جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا﴾ تعبیر به «رب» همراه با ضمیر مخاطب و توأم با کلمه «عطاء» دلالت بر لطف فوق‌العاده خداوند دارد که در پاداش نیکوکاران نهفته است.<sup>۴۱</sup>



### تحلیل فاصله

مفهوم آیات این مجموعه، در تأکید به عدالت خداوند و لطف و بخشش او نسبت بهشتیان به خاطر اعمال صالحشان است و نکته شایان ذکر اینکه فاصله آیات به «الف» مدی ختم شده تا با طولانی بودن این نعمت‌های بهشتی هماهنگ باشد.<sup>۴۲</sup> در این مجموعه لطافت در کلمات، نظم واژگانی و سلاست و روانی در تعبیر دیده می‌شود. آهنگ و موسیقی الفاظ پژوهی از مفهوم و مضمون آیات است؛ بدین معنا که تعداد حروف مجهوره محدود است چون سیاق آیات دلالت بر آرامش و سکون و وفور نعمت دارد. عنصر موسیقایی آیات از تکرار فاصله‌ها حاصل می‌شود که گاه برای هماهنگی حروف فاصله با

آیات قبل، تغییرات نحوی در خلال آیه ایجاد شده که این توازن و هماهنگی را مناسب می‌نامند. از جمله؛ تقدیم معمول بر عامل، تقدیم ضمیر بر مفسر، حذف «باء» فعل غیر مجزوم و...<sup>۴۳</sup> در آیه ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ اگر چه تقدیم واژه «متقین» برای اشاره به اهمیت شأن و منزلت پرهیز کاران و اختصاص دادن پیروزی اخروی برای آنان است؛ ولی دلیل اصلی این تقدیم رعایت مقطع صوتی فاصله است.

در جمع آمدن واژه «أَعْنَابًا» دو نکته قابل توجه است: یکی مناسبت با واژه «حدائق» که جمع است و دیگری توازن مقطع صوتی فاصله؛ زیرا اگر به صورت مفرد (عنبا) ذکر می‌شد بر خلاف آیات قبل، متشکل از دو مقطع صوتی کوتاه و یک مقطع صوتی بلند می‌بود.

خداوند متعال در آیه ﴿جَزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا﴾ از پاداش مؤمنان سخن می‌گوید، این آیه در مقابل آیه ﴿جَزَاءٌ وَفَاقًا﴾ که در مورد عذاب شدید کافران است قرار گرفته است. نکته جالب اینجاست که بخشش و پاداش فراوان مؤمنان تنها در معنای آیه بیان نشده، بلکه این نکته را می‌توان در تعداد مقاطع صوتی و اصوات مشاهده نمود.

آیه	تعداد مقاطع صوتی	تعداد اصوات
۲۶	۶	۱۰
۳۶	۱۳	۲۱

جدول شماره (۵)

آیه	ص ح	ص ح ح	ص ح ص	جمع
-----	-----	-------	-------	-----

	صدا	تعداد	صدا	تعداد		
۳۱	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۱
۳۲	ع	۱	آ آ	۲	۰	۳۲
۳۳	ت	۱	آ آ	۲	۰	۳۳
۳۴	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۴
۳۵	ذ	۱	آ آ	۲	۰	۳۵
۳۶	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۶
۳۷	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۷
۳۸	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۸
۳۹	۰	۰	آ آ	۲	۱	۳۹
جمع		۳		۱۸	۶	
درصد		%۱۱.۱۱		%۶۶.۶۶	%۲۲.۲۲	

جدول شماره (۶)

## خاتمه

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ (۴۰)

## تفسیر اجمالی

ابتدا و انتهای این آیه در شأن کافران است؛ ولی سیاق جمله ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾ شامل حال مومنان و کافران می‌شود؛ یعنی روزی خواهد آمد که شخص مؤمن ثواب آن اعمال و رفتارهای نیکی را که به منظور اجر اخروی انجام داده خواهد دید و از آن مسرور خواهد شد. همانگونه که کافر نیز در آن روز به کیفر اعمال کفر خود نظر می‌کند و از دیدن آنها خجل و بیزار می‌شود.<sup>۴۴</sup> با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی، اعمال انسان در روز قیامت به صورت‌های

مناسبی مجسم شده و در برابر او ظاهر می‌شوند. او از مشاهده منظره اعمال بدش در وحشت و ندامت و حسرت فرو می‌رود و از دیدن اعمال حسنه‌اش شاد و مسرور می‌گردد. اصولاً یکی از بهترین پادشاهای نیکوکاران و یکی از بدترین کیفرهای بدکاران همین اعمال مجسم آنها است که همراهشان خواهد بود.<sup>۴۵</sup> واژه «الکافر» در این آیه اسم ظاهر است که به جای ضمیر نهاده شده تا به نکوهش بیشتری دلالت کند و هر کافری که در حال کفر از دنیا برود و به کیفر اعمال ننگ‌آور خویشتن نظر کند به قدری خجل و منفل می‌گردد که آرزو می‌کند ﴿يَا أَيَّتُهَا كُنْتُ تُرَابًا﴾ ای کاش در دنیا خاک بودم و آفریده و مکلف نمی‌شدم. ای کاش در روز قیامت خاک می‌بودم و زنده نمی‌شدم.<sup>۴۶</sup>

### تحلیل فاصله

در این سوره ابتدا از سرنوشت کافران و قسمتی از کیفرهای دردناکشان سخن می‌گوید و سپس به شرح حال نقطه مقابل آنان، مؤمنان راستین و پرهیزکاران می‌پردازد. نکته قابل ذکر اینجا است که سوره با وصف آرزوی محال کافران به پایان می‌رسد و ما می‌توانیم ردپایی از صنعت «رد العجز علی الصدر» را مشاهده کنیم.

این آیه جزء طولانی‌ترین آیات این سوره است و به روی «باء» ختم شده که ویژگی صدای روی و تعداد زیاد مقاطع صوتی در بافت آیه بر شدت و طولانی بودن حسرت و ندامت کافران اشاره دارد.

آیه	ص ح	ص ح ح	جمع
-----	-----	-------	-----

	صد	تعداد		
۳	آ آ	۲	۱	۴۰
		%۶۶.۶۶	%۳۳.۳۳	درصد

جدول شماره (۷)

با امعان نظر می‌یابیم فواصل آیات این سوره علاوه بر حرف روی، از نظر صرفی و موسیقایی هم متنوع‌اند؛ اوزان صرفی همچون ۱. «أفعالاً» در واژه‌هایی مانند «أوتادا، أزواجاً، ألقافاً، أفواجاً، أبواباً، أحقاباً، أعناباً و أتراباً» ۲. «فَعَالاً» در الفاظی همچون «نباتا، سرايا، عذابا و ثوابا» ۳. «فَعَالاً» در الفاظی مانند «وهَّاجاً، ثجَّاجاً و غساقاً» ۴. «فَعَالاً» «سباتا، ترابا» دیده می‌شود. فواصلی همچون «كذَّاباً، مآباً، حساباً و سيعلمون» چندین بار در بافت سوره تکرار شده که این تنوع و تکرار فواصل به این سوره رنگ صوتی و موسیقایی بخشیده است. همچنین میان برخی از فواصل، جناس وجود دارد که بیشتر از نوع جناس ناقص است: مانند(عذابا-كذابا) (ثجاجا-وهجاجا).

### نتایج:

- یکی از عناصر اعجاز ادبی و بیانی قرآن فاصله است که نه تنها امری ظاهری، بلکه هماهنگ باسیاق و دلالت معنایی سخن است که متناسب با معنا دگرگون می‌شود.
- انتخاب کلمات و واژه‌های به کار رفته در عبارتهای قرآنی کاملاً حساب شده است به گونه‌ای که جایگزینی واژه‌های دیگر برای افاده معنای اصلی غیر ممکن است؛ زیرا گزینش واژه‌های قرآنی به گونه‌ای انجام شده که تناسب آوای حروف کلمات هم ردیف آن رعایت گردیده است.
- در بسیاری از آیات قرآن، حرکات بار مفهومی خاصی را به دوش می‌کشند و حالت‌هایی چون شادمانی، غرور، تقدیم، فتح و پیروزی، شکست، علو و برتری و ذلت و خفت را می‌رسانند.



- در این سوره آیاتی که در وصف پرهیزکاران و نعمت‌های بهشتی است، حرکت فتحه کاربرد بیشتری یافته که نشانگر برتری و بلند مرتبگی بهشتیان است.
- روی فاصله آیات در این سوره متنوع‌اند که وجود «الف» وقف در پایان آن نظم خاصی را به آن بخشیده است.
- با تغییر سیر خطاب، مقطع صوتی فاصله آیات، از مغلق به مفتوح گرایش یافته است. همچنین تغییرات نحوی نظیر حذف و تقدیم و تاخیر برای رعایت فاصله در این سوره دیده می‌شود.
- از آنجایی که مضمون این سوره بر اثبات قیامت، عذاب کافران و پاداش نیکوکاران دلالت دارد حروف مجهوره نسبت به مهموسه بسامد بیشتری به خود اختصاص داده تا با مضمون آن هماهنگ باشد.

#### پی نوشت‌ها:

۱. الرمانی، ابو الحسن علی بن عیسی، النکت فی اعجاز القرآن، ص ۹۷.
۲. خضر، السید، فواصل القرآنیة، ص ۳۰.
۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۱۸۴.
۴. الزرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی العلوم القرآن، ج ۱، ۶۲-۶۶.
۵. أنیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، ص ۱۱۳.
۶. النوری، محمد جواد، علم الأصوات العربیة، ص ۱۱۴.
۷. أنیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، ص ۱۱۴.
۸. بشر، کمال محمد، الاصوات العربیة، ص ۸۲.
۹. رمضان، محیی الدین، وجوه من الإعجاز الموسیقی فی القرآن، ص ۲۹.
۱۰. الزرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی العلوم القرآن، ج ۱، ص ۶۰.
۱۱. بشر، کمال محمد، الاصوات العربیة، ص ۴۹.
۱۲. النوری، محمد جواد، علم الأصوات العربیة، ص ۱۳۱.
۱۳. بشر، کمال محمد، الاصوات العربیة، ص ۸۰.

۱۴. شعراوی، محمد متولی، المنتخب من تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۸.
۱۵. طباطبائی، محمد الحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲۰، ۱۵۸؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۷.
۱۶. طباطبائی، محمد الحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۵۹.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۶.
۱۸. طباطبائی، محمد الحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۶۰.
۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۸۴.
۲۰. أبی سعود، إرشاد العقل السلیم إلی مزیای کتاب الکریم، ج ۹، ص ۸۶.
۲۱. بشر، کمال محمد، الاصوات العربیة، ص ۱۲۰.
۲۲. خضر، السید، فواصل القرآنیة، ص ۵۱.
۲۳. سیوطی، أبی بکر عبدالرحمن، الإیتقان فی العلوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.
۲۴. التفتازانی، سعدالدین، مختصر المعانی، ص ۱۰۶.
۲۵. خضر، السید، فواصل القرآنیة، ص ۱۳۰-۱۲۹.
۲۶. اصواتی که در هنگام تلفظ تارهای صوتی مرتعش می‌شوند. مانند (ء، آ، ع، غ، ق، ج، ی، ض، ل، ن، ر، ز، ط، ظ، د، ذ، ب، م، و)
۲۷. الفخر الرازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۱، ص ۳.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۵.
۲۹. همان، ص ۱۶.
۳۰. سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۶، ص ۳۸۰.
۳۱. \_\_\_\_\_، التصوير الفنی فی القرآن، ص ۹۳.
۳۲. بشر، کمال محمد، الاصوات العربیة، ص ۱۵۰.
۳۳. همان، ص ۳۴۰.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۶.
۳۵. همان ج ۲۶، ص ۱۶.
۳۶. همان، ج ۲۲، ص ۲۶.
۳۷. بکری، شیخ أمین، التعبير الفنی فی القرآن، ص ۲۵۸.

٣٨. ابن جنى، ابوالفتح عثمان، الخصا، ج ١٦٥، ٢.
٣٩. سيد قطب، التصوير الفنى فى القرآن، ص ١٢٢.
٤٠. جرجانى، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، ص ١٠٦.
٤١. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، ج ٢٦، ص ٥١.
٤٢. الزحيلى، وهبه، تفسير الوسيط، ج ٣٠، ص ٢٣.
٤٣. خضر، السيد، فواصل القرآنية، ص ٥٢-٥٣.
٤٤. طباطبائى، محمد الحسين، الميزان فى التفسير القرآن، ج ٢٠، ص ٢٨٥.
٤٥. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، ج ٢٦، ص ٦٢.
٤٦. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج ٤، ص ٤٣٣.

## منايع:

### قرآن كريم.

١. أنيس، ابراهيم، الأصوات اللغوية، بيروت: دار النهضة العربية، ط ١٩٦١، ٣.
٢. ابن جنى، ابوالفتح عثمان، الخصائص، تحقيق محمد على نجار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ط ٤، ١٩٩٠.
٣. أبى سعود، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، قاهره: دارالفكر، د.ت.
٤. بشر، كمال محمد، الاصوات العربية، القاهره: مكتبة الشباب، د.ت.
٥. بكرى، شيخ أمين، التعبير الفنى فى القرآن، حلب: دارالشروق، ١٩٧٢.
٦. التفتازانى، سعدالدين، مختصر المعانى، قم: مؤسسة دار الفكر، ١٣٨٨.
٧. جرجانى، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، مصر: تحقيق محمد شاكر، ط ٢، ١٩٩٢.
٨. خضر، السيد، فواصل القرآنية، القاهره: مكتبة الآداب، ١٤٢٠.
٩. الرماني، ابو الحسن على بن عيسى، النكت فى اعجاز القرآن، بيروت: دار المعارف، ط ٣، ١٩٦٨.

۱۰. رمضان، محیی الدین، وجوه من الإعجاز الموسیقی فی القرآن، عمان: دار الفرقان، ط ۱۹۸۲، ۱.
۱۱. الفخر الرازی، التفسیر الکبیر، طهران، دار الکتب العلمیة، ط ۲، (د.ت).
۱۲. الزرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی العلوم القرآن، تحقیق ابی الفضل الدمیاطی، القاهرة: دار الحدیث، ۲۰۰۶.
۱۳. الزحیلی، وهبه، تفسیر الوسیط، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۲.
۱۴. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷.
۱۵. سید قطب، التصویر الفنی فی القرآن، القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۸۰.
۱۶. \_\_\_\_\_، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲هـ.
۱۷. سیوطی، أبی بکر عبدالرحمن، الإیتقان فی العلوم القرآن، ج ۲، بیروت: دارالمعارف، ط ۴، ۱۹۷۸.
۱۸. شعراوی، محمد متولی، المنتخب من تفسیر القرآن الکریم، بیروت: منشورات دار النصر، (د.ت).
۱۹. طباطبائی، محمد الحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، قم: انتشارات حوزة علمية، ۱۴۱۷.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۴۱۳.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: موسسه کتاب های اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. النوری، محمد جواد، علم الأصوات العربیة، جامعة القدس المفتوحة، ۱۹۹۷.